

Islamic Knowledge and Insight

Cognitive Methods of Economic Education in the Teachings of the Qur'an

1. Barat Madah: Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Seyyed Ahmad Mirian*: Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Email: mirian@mailsac.com)
3. Mohammad Hadi Yadollahpour: Department of Islamic Studies, Babol Branch, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

Abstract

Today, many Islamic countries face significant economic challenges, despite the fact that methods of economic education are addressed within the teachings of the Qur'an. Paying attention to these methods in economic planning can revive the glorious Islamic civilization and bring about public welfare and prosperity. The primary aim of this study is to identify the cognitive methods of economic education using a descriptive-analytical approach. The proposed strategies can typically serve as a model for confronting economic crises, threats, and constraints. Accordingly, recognizing and applying these methods in society is among the reasons that necessitate this research. Based on this, and in light of the luminous verses of the Holy Qur'an, one can achieve economic education by drawing upon cognitive methods such as: faith in God, belief in the Hereafter, observing piety, nurturing reason and intellect, proper insight, encouragement, warning, analogy, invitation to asceticism, seeking forgiveness, and gratitude.

Keywords: *Qur'an, economy, economic education, cognitive methods*

معرفت و بصیرت اسلامی

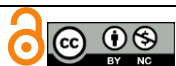
روش‌های شناختی تربیت اقتصادی در آموزه‌های قرآن

۱. برات مداح: گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. سید احمد میریان*: گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (پست الکترونیک: mirian@mailsac.com)
۳. محمدحادی یدالله‌پور: گروه معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه علوم پزشکی، بابل، ایران

چکیده

امروزه بسیاری از کشورهای اسلامی با مشکلات اقتصادی روبرو می‌باشند و این درحالی است که روش‌های تربیت اقتصادی در آموزه‌های قرآن مطرح گردیده و توجه به آن در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی می‌تواند تمدن شکوهمند اسلامی را زنده و رفاه و آسایش عمومی را به ارمغان آورد. هدف اصلی در این پژوهش بیان روش‌های شناختی تربیت اقتصادی با روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ چرا که راهکارهای ارائه شده نوعاً می‌تواند به عنوان سرمشقی برای مقابله با بحران‌ها، تهدیدها و تنگناهای اقتصادی مدنظر قرار گیرد. بنابراین شناخت و معرفت به این روش‌ها و عملی کردن آن‌ها در جامعه می‌تواند از جمله عوامل ضرورت این پژوهش باشد. بر این اساس، با توجه به آیات نورانی قرآن کریم می‌توان با استمداد از روش‌های شناختی نظیر: ایمان به خدا، معادباوری، رعایت تقوا، پرورش نیروی عقل و خرد، بینش درست، تبشیر، انداز، تمثیل، دعوت به زهد و استغفار و شکرگزاری به تربیت اقتصادی دست یافت.

کلیدواژگان: *قرآن، اقتصاد، تربیت اقتصادی، روش‌های شناختی.*



How to cite: Madah, B., Mirian, S. A., & Yadollahpour, M. H. (2025). Cognitive Methods of Economic Education in the Teachings of the Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(2), 1-16.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 December 2024

Revise Date: 04 February 2025

Accept Date: 23 February 2025

Publish Date: 04 August 2025

شیوه‌استاددهی: مداح، برات، میریان، سید احمد، و یدالله پور، محمدحادی. (۱۴۰۴). روش‌های شناختی تربیت اقتصادی در آموزه‌های قرآن. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۳(۲)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۶ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ مرداد ۱۴۰۴

مقدمه

دین اسلام کامل‌ترین دین و بهترین راهنما و دارای جامع‌ترین برنامه‌ها برای یک زندگی تکامل یافته و به عبارتی بهتر، برای رسیدن به حیات طیبه می‌باشد که آموزه‌های آن، غنی و سرشار از حقایق زندگی‌ساز است. اگر در آیات قرآن کریم تأمل و دقت شود به وضوح فهمیده می‌شود که اسلام نه تنها با مال و ثروت مخالف نیست، بلکه عنایت ویژه‌ای به مسائل اقتصادی و معیشتی دارد. از این رو تربیت اقتصادی و نگاه اصولی به روش‌های آن در اسلام یکی از ساحت‌های مهم تربیت به شمار آمده و از الویت ویژه‌ای برخوردار است. نگاه اسلام به مسأله اقتصاد، نگاه خدامحورانه برای اصلاح و سعادت انسان است و امور اقتصادی بشر را جزئی از مجموعه قوانین خود می‌داند که می‌تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر شمارد.

گفتنی است مسأله‌ای که در باب تربیت اقتصادی وجود دارد، توجه مردم به جنبه مادی آن است که بیشتر درصدد کسب درآمد مالی هستند، نه رشد معنوی. از این روی، از هر وسیله‌ای، بدین منظور استفاده می‌کنند و به حلال و حرام بودن آن توجه نمی‌نمایند. شاید این طیف، اکثریت فعالان اقتصادی در جهان و حتی جوامع مسلمان را تشکیل دهند. بر این اساس، تعیین روش‌های تربیت اقتصادی از منظر قرآن برای مصون ماندن از خطا و لغزش، در فرآیند تربیت اقتصادی بیش از پیش ضرورت دارد؛ چرا که تعلیم و تربیت همه جانبه اسلام، رسالت بزرگی را بر عهده دارد و آن توجه دادن به روش‌های تربیت اقتصادی است، که سلامت اقتصادی جامعه را تضمین می‌کند. تربیت اقتصادی را شاید بتوان حلقه مفقوده بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و شکست بسیاری از سیاست‌های اقتصادی دانست. امری که متأسفانه در جهان اسلام مغفول مانده است. به ویژه با وجود نوزایی تمدن اسلامی و طلیعه تبلور الگوهای اسلامی پیشرفت و عدالت توأمان، تلاش و همتی مضاعف را در این عرصه می‌طلبد. تلاش و همتی که بتواند با روشن‌تر ساختن روش‌هایی متقن که قابلیت اجرا

دارد، جامعه را به سرمنزل تربیتی رساند. این امر مستلزم استفاده از روش‌های مختلفی است که مستند به منابعی متقن همچون قرآن باشد تا میزان کارایی آن افزون گردد. واکاوی آموزه‌های قرآنی حاکی از آن است که در زمینه تربیت اقتصادی روش‌هایی مطلوب از سوی قرآن با تکیه بر شناخت و معرفت انسان معرفی شده که بر پیش و نگرش آدمی مبتنی است. بر این اساس جستار حاضر با تکیه بر تعالیم قرآن تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که: «قرآن چه روش‌های شناختی در راستای تربیت اقتصادی معرفی نموده است؟»

روش‌شناسی

از آن جا که تحقیق پیش‌رو، به بررسی روش‌های اصلاح جامعه می‌پردازد، در زمره تحقیق‌های کیفی جا می‌گیرد و از آن نظر که روش‌های شناختی اصلاح جامعه را از منظر قرآن توصیف می‌کند، در زمره تحقیق‌های توصیفی قرار می‌گیرد. این پژوهش، درصدد پاسخ دادن به سؤال پژوهشی است و چون روش کیفی، مناسب‌ترین ابزار را برای پاسخ‌دهی به سؤالات به دست می‌دهد، از روش کیفی استفاده می‌شود. محقق در این تحقیق می‌کوشد تا از طریق مطالعه قرآن و اسناد مکتوب و منابع موجود، به داده‌هایی برای پاسخ‌گویی به پرسش خود دست یابد.

آشنایی با مفاهیم تحقیق

از آن جا که تحلیل مفهوم واژگان و دست‌یابی به ژرفای معنایی و کاربرد آن، نیازمند دقت در معنای این واژگان و پرداخت به وجوه متعدد آن است در ابتدای سخن به مفهوم‌شناسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

روش شناختی: در فرهنگ دهخدا واژه «روش» به معنای طریقه، قاعده و قانون، سبک، سنت، رسم و آیین و نهج آمده است (Dehkhoda, 1992) در لغت عرب نیز منهج به معنای «طریق» آمده است (Ibn Manzur, 1996; Raghib Isfahani, 2007) و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است. (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۲۸) مراد از روش‌های شناختی؛ روش‌هایی نسبتاً ثابت در افکار، عقاید، است

که به تفسیرها و برداشت‌های فرد از یک واقعه یا رویداد اشاره دارد (Azerbaijani, 2017) و به وسیله اصلاح فکر و شناخت به کمک شخص می‌آید. در این راهکارها که بر شناخت‌های فرد نسبت به جهان و زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌شود، فرد با استفاده از شناخت‌ها در صدد مقابله با تنیدگی‌ها بر می‌آید و به کمک توانایی فکری و ذهنی خود، با مشکل برخورد می‌کند (Mo'azedi & Asadi, 2012). آن چه که در این راهکارها محل توجه است، در واقع معرفت و شناخت است. شناخت، این توانایی را به آدمی می‌بخشد تا قدرت تشخیص و تحلیل بهتری نسبت به مسائل مختلف انسان و جهان کسب نموده و در مواجهه با آن‌ها قدرت تشخیص و تمیز را داشته باشد.

تربیت اقتصادی: به گفته راغب اصفهانی تربیت عبارت است از: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (Raghib Isfahani, 2007)؛ رب، در اصل به معنای تربیت و آن ایجاد شیء به صورت تدریجی تا حد رسیدن به کمال است و در اصطلاح به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آن‌ها است (Seif, 2008) واژه اقتصاد نیز از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده (Mostafavi, 2001) و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است (Jawhari, 1990) و در اصطلاح به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود. (آقائظری، ۱۳۹۱، ص ۳۹) تربیت اقتصادی به معنای آموزش و تأدیب انسان بر اساس پابندی به اصول اخلاقی در زمینه اقتصاد است تا هویت و تصور انسان از خودش بر اساس دستورات اسلام از اقتصاد شکل گیرد (Motahhari, 2018).

از مجموع تعاریف ارائه شده در رابطه با واژگان تربیت و اقتصاد می‌توان گفت تربیت اقتصادی عبارت است از: «ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبه‌ای به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند.» (Seyyedi & Ahmadi, 2019) در مجموع تربیت اقتصادی؛ برنامه‌ها و اقداماتی است که برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد به اجرا در می‌آیند.

روش‌های شناختی در تربیت اقتصادی

در آموزه‌های قرآن، از برخی روش‌های شناختی برای تربیت اقتصادی نام برده شده که بیانگر دغدغه این کتاب در راستای این موضوع است. در ادامه این روش‌ها توضیح داده می‌شوند:

ایمان به خدا: یکی از روش‌های شناختی تربیت اقتصادی از منظر قرآن، ایمان داشتن به خداوند متعال است. ایمان را باید زیرساخت و مهم‌ترین پشتوانه اجرایی اخلاق دانست که نقش اثرگذاری در تربیت اقتصادی بازی می‌کند؛ در نتیجه آن، آدمی در شرایط سخت اقتصادی، ناامید نمی‌شود و در بهترین وضعیت نیز غافل نمی‌گردد. وی در زمان رکود، به کار و تلاش می‌پردازد و در هنگامه رونق، با احساس مسئولیت، به تلاش خود ادامه می‌دهد (Darafshan, 2013) با نگاهی هر چند گذرا به آموزه‌های قرآن، آشکار می‌گردد که پیوند عمیق و تأثیر متقابلی میان ایمان و اقتصاد برقرار می‌باشد. به عنوان مثال خداوند در سوره اعراف، یکی از لوازم فتح برکات از آسمان و زمین (که نتیجه آن شکوفایی اقتصاد است) را ایمان اهل جامعه معرفی نموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/۹۶)؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. در تفسیر آیه مذکور گفته شده: اگر مردم آبادی‌ها ایمان داشتند و تقوا و پرهیزگاری پیشه می‌کردند،

دروازه‌های برکت‌های آسمان و زمین را به روی آن‌ها می‌گشادیم. توجه کنیم که یکی از شروط گشایش برکت‌های آسمان و زمین، ایمان است و منظور از ایمان، اعتقاد به خدا و پیامبران (علیهم‌السلام) و دوری از شرک و کفر است (Jafari).

ایمان به خدا یقیناً بر نوع رفتار اقتصادی افراد تأثیرگذار است. هدف انسان غیرالهی با توجه به باوری که دارد، تأمین نیازهای مادی به هر روش ممکن است در حالی که فردی که به خدا ایمان دارد، الگوی خود را از آموزه‌های الهی انتخاب می‌نماید و در رفتار و منش خود دستورات دینی را مد نظر قرار می‌دهد. در حالی که اگر ایمان نباشد و انسان معتقد به خداوند نباشد، با توجه به این که انسان زیاده‌طلب است، طبیعتاً هر کسی از هر راهی که امکان‌پذیر باشد، به دنبال کسب اموال و ثروت می‌رود و مشروع و غیرمشروع، حلال یا حرام بودن برایش یکسان است. این ایمان و اعتقاد الهی است که موجب تنظیم رفتارهای اقتصادی وی گشته و او را به این جهت سوق می‌دهد که در کسب و کار اقتصادی‌اش باید مسیر درستی بییماید. مؤید این سخن کلام قرآن است که خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد. این آیه در واقع زیر بنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند و نکته قابل تأمل آن که؛ آیه خطاب به افراد با ایمان مطرح شده است (Makarem Shirazi, 1995, 2000). دلیل آن است که در حقیقت افراد با ایمان گوش به این فرامین می‌دهند و به فرمان خداوند عمل می‌کنند و افراد بی‌ایمان به این صلاحیت نرسیده‌اند که مورد خطاب نورانی قرآن قرار بگیرند و به آن جامه عمل بپوشند، فلذا می‌توان این گونه برداشت نمود که ایمان به خداوند متعال موجب می‌گیرد که تربیت اقتصادی انسان‌ها در مسیر درست شکل بگیرد. از نگاه اسلام انسان مسلمانی که به خداوند و مالکیت و رازقیت او ایمان

دارد، باید به این نکته توجه داشته باشد که اگرچه اسلام توصیه به فعالیت‌های اقتصادی دارد و مردم هم ناگزیرند برای تأمین معاش و گذران زندگی خود به کار و کوشش بپردازند؛ با این وجود شخص مؤمن و موحد و کسی که تمام ابعاد زندگی او رنگ خدایی گرفته، در فعالیت‌های اقتصادی بی‌قید و بند نبوده؛ خطوط قرمز و حدودی الهی را مراعات می‌نماید. بر این اساس، او تلاش می‌کند فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و منابع درآمدی خود را در مجرای صحیح و مشروع قرار داده و از کسب ثروت‌های حرام که ممکن است از طریق ربا (بقره/۲۷۸-۲۷۹)، کم‌فروشی (مطففین/۱-۴)، غش در معامله، رشوه و... حاصل شود، پرهیز می‌کند.

معادباوری: معاد و باور قلبی آن؛ یکی از راهکارهای شناختی قرآن در تربیت اقتصادی است. کسی که همواره مرگ و زندگی در خانه ابدیش را در پیش چشم خود مجسم سازد، تمامی اعمال و رفتارش را تحت مراقبت ویژه قرار می‌دهد و سعی و تلاش همه جانبه دارد تا رفتارهایش در جهت خشنودی پروردگار قرار بگیرد و به تمام معنا آن حقیقت همیشه جاوید را آماده محاسبه آن روز قرار می‌دهد تا از رضوان الهی بهره‌مند گردد. «انسان معتقد به معاد در رفتارهای اقتصادی خویش، علاوه بر عاقبت‌اندیشی در نتایج دنیوی به پیامدهای اخروی آن‌ها نیز می‌اندیشد و از هر گونه رفتاری که حیات ابدی‌اش را به خطر بی‌اندازد، دوری می‌نماید؛ چرا که باید حیات حقیقی را در آخرت جستجو کند.» (Akbari Dehzeiri, 2012)؛ در همین راستا قرآن کریم در نهی از کم‌فروشی و نکوهش کم‌فروشان که در زمره منحرفان اقتصادی قرار دارند، می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالَهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يَخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (مطففین/۱-۶)؛ وای بر کم‌فروشان، که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟ [در] روزی بزرگ: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. هر آن کس که اعتقاد به معاد و حسابرسی در

آن روز داشته باشد، تلاش می‌نماید تا در امور اقتصادی و حتی سایر فعالیت‌های زندگی دچار کم‌فروشی نگردد. نیک روشن است دین اسلام مجموعه قوانینی است که با هدف معاد انسان هماهنگ است و خداوند تنها مرجعی است که از معاد انسان آگاه است؛ پس فقط او می‌تواند قوانین را برای تربیت انسان در جهت نیل به آن هدف معین کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۹۸) بنا به تأکید قرآن، اعمال انسان در روز قیامت مورد ارزیابی و محاسبه قرار گرفته، به هر کس متناسب با رفتاری که در دنیا داشته است، جزا داده می‌شود. یاد قیامت و خوف از سوء الحساب در یوم الحساب، نقش مؤثری در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی ایفا می‌کند. به این ترتیب باور به معاد و یادآوری آن، یکی از نیرومندترین روش‌های شناختی در تربیت اقتصادی و زمینه ساز اصلاح اقتصاد جامعه اسلامی و رفتارهای اقتصادی بوده و تأثیر عمیقی بر پیشگیری از مفاسد اقتصادی دارد.

رعایت تقوا: از جمله روش‌های شناختی در راستای تربیت اقتصادی، کسب تقوا می‌باشد که قرآن بدان اشاره نموده و «تقوا» حالتی در فرد است که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد و باعث می‌شود وقتی در محیط گناه قرار می‌گیرد، گناه نکند (Motahhari, 2018). تقوای اقتصادی نیز، همان عمل به احکام شرعی و اخلاقی اسلام در موضوع اقتصاد است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده/۸۸)؛ و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید. بر اساس این آیه در استفاده از طیبات باید در نظر داشت که حتماً بر اساس حدی باشد که شریعت مقرر داشته؛ زیرا شریعت به مصلحت آدمی است اعم از فرد یا اجتماع و این تجاوز نکردن از حد خود گونه‌ای تقوا است (Modarresi, 1998).

تقوا، تعهد درونی برای انجام وظایف و ترک محارم الهی است. تحقق تقوا در جامعه منوط به ترک رذایل اخلاقی همچون خیانت، دروغ، غصب حقوق دیگران، استثمار و هوسرانی است. بنابراین،

ایجاد محیطی امن و سرشار از روحیه امانت‌داری، راستی، وجدان کاری و احترام به حقوق دیگران بسترهای رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد. از این رو، تقوا به گونه‌ای غیر مستقیم، از روش‌های رشد اقتصادی به شمار می‌رود و با آن پیوندی نزدیک و دریافتنی می‌یابد. از نظر قرآن کریم، میان اعمال انسان و تربیت اقتصادی پیوندی مستقیم وجود دارد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ» (اعراف/۹۶)؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. در تفسیر این آیه آمده: اگر مردم آبادی‌ها به دستورهای الهی و به راهنمایی‌های رسولان او ایمان آورده و پابند شده، و از برنامه‌های خلاف و از معاصی و ظلم و تجاوز خودداری می‌کردند: هر آینه می‌گشادیم برای آن‌ها افزودنی‌های مادی و معنوی از آسمان و از زمین، تا با کمال وسعت و خوشی زندگی کنند. افزودنی‌ها و برکات سماوی عبارت است از توجّهات معنوی و رحمت‌های روحانی که سبب بر گشایش و خوشی روحی و وسعت قلبی و نورانیت باطنی و استفاضه از فیوضات الهی می‌شود. و افزودنی‌های زمینی آن نعمت‌ها و برکاتی است که از کره زمین بر می‌خیزد، مانند آب و خاک و هوا و اشجار و زراعات و حیوانات دریایی و صحرایی و هوایی و آنچه مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد از نعمت‌های مادی (Mostafavi, 2001) و در واقع خداوند می‌فرماید اگر همواره می‌خواهید در رفاه اقتصادی باشید، اهل ایمان و تقوا باشید (Javadi Amoli, 2009) نکته شایان توجه این است که نزول برکات، مشروط به ایمان و تقوای همه مردم است، نه ایمان و تقوای عده‌ای خاص و کفر و فسق دیگران (Tabataba'i, 1996). بر این اساس، تأثیر این عامل بر یک شهر یا کشور، هنگامی است که اراده جمعی بر ایمان به خدا و نهادینه کردن تقوا در سطح جامعه، تعلق گیرد. بدین سان که از دیدگاه قرآن، تقوا از عوامل رفتاری و بستری برای رشد اقتصادی می‌باشد.

پرورش نیروی عقل و خرد: آنچه از تعالیم دین به دست می‌آید، این است که انسان واجد قوه و نیرویی شگفت و عجیب به

نام «عقل» است که در پرتو آن بسیاری تاریکی‌ها و جهالت‌ها را به سلامت پشت سر می‌گذارد. هر کس که از این نیروی خدادادی مدد بطلبد، در طریق ره‌یافتگان قرار گرفته و از زندگی حیوانی، یا زندگی همچون حیوانات رهایی خواهد یافت و گرنه از حیوانات و چهارپایان نیز پست‌تر خواهد بود. (اعراف/۱۷۹) «یکی از پیش‌فرض‌های علم اقتصاد، فرض عقلانیت در رفتار واحدهای اقتصادی است، یعنی این که واحدهای اقتصادی عقلانی رفتار می‌کنند.» (Shurideh, Bakht, 2010). از این روی پرورش نیروی عقلانی یکی از روش‌های تربیت اقتصادی است که از مبنای عقلانیت سرچشمه می‌گیرد. در همین راستا خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء/۵)؛ و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید. «خداوند متعال برای این که انسان‌ها مستقل و آبرومندانه زندگی کنند، اموالی را در اختیارشان قرار داده است. طبق دستور قرآن نباید این اموال را به کسانی بپردازند که عقل تدبیر مال و معاش را ندارند و آن را ضایع می‌کنند و عقل اقتصادی و اجتماعی ندارند و به تعبیر قرآن «سفیه» هستند.» (ایزدی، ۱۳۹۹، ص ۶۸۲) به تعبیری دیگر این آیه به این حقیقت اشاره دارد که کمیت و قلت و کثرت اموال مهم نیست، بلکه کیفیت تداول و قوام بخشی آن برای جامعه است که از طریق واگذاری آن به افرادی حاصل می‌شود که از «عقل» بهره‌مند باشند. در حوزه تربیت اقتصادی، نقش عقل و خردورزی در هزینه‌سازی و دخل و خرج مالی روشن است؛ چرا که با خردمندی و به کارگیری نیروی حساب‌گر عقل، می‌توان از آسیب‌های اقتصادی جلوگیری کرد و به ضرورت‌های زندگی اهتمام ورزید. اگر تصمیم‌گیری‌های انسان بر اساس خردمندی باشد، فعالیت‌های اقتصادی به بار می‌نشیند و از زیان‌های احتمالی پیش‌گیری می‌شود؛ زیرا یکی از کاربردهای عقل و خرد، قدرت تجزیه و تحلیل امور زندگی به ویژه مسائل اقتصادی می‌باشد. هر کس دارای صفت خردورزی باشد و خردمندانه زندگی کند، کارهای مالی را تجزیه و تحلیل و سبک و

سنگین می‌کند و در نهایت، سودمندترین را در مسیر حق و کمال نهایی بر می‌گزیند و روی آن سرمایه‌گذاری می‌نماید.

بینش درست: هر رفتاری که از انسان سر می‌زند، بر اساس بینشی است که از آن‌ها دارد. هر چه بینش انسان به رفتارش کامل‌تر باشد، رفتارها نیز صحیح‌تر خواهد بود. بنابراین اگر بنا باشد تربیت اقتصادی به شیوه‌ای مطلوب و مقبول دین اسلام صورت گیرد، باید بینش و نگرش افراد را نسبت به مقوله اقتصاد، درست پایه‌گذاری شود. به منظور تربیت اقتصادی، قرآن کریم طرز تفکر و اندیشه مردم را نسبت به هدف نهایی از فعالیت‌های اقتصادی تغییر و ارتقا داد. قرآن کریم به مردمی که جز هدف مادی نداشته و به چیزی جز سود شخصی نمی‌اندیشیدند، برنامه و هدف غایی؛ یعنی تقرب الی الله را به عنوان پایه نظام ارزشی فعالیت‌های اقتصادی معرفی نمود و به آن ترغیب کرد. به عنوان مثال مال و ثروت در نگرش قرآنی زمانی ارزشمند و خیر خواهد بود که در راستای اهداف آفرینش به کار گرفته شود، هر گونه تفسیری دیگر از ارزش‌مندی مال باطل و نارواست؛ از همین رو خدا نگرش کافران و مشرکان به مال را مردود می‌داند؛ زیرا از نظر آنان، مال و ثروت همانند قدرت از یک ارزش ذاتی برخوردار است و هر کسی که دارای ثروت و مال به ویژه بسیار باشد، مورد کرامت و عنایت الهی است در حالی که چنین نیست (فجر/۱۵-۱۸) پس بر خلاف تصور مشرکان مال و ثروت، نشانه محبوبیت بیشتر انسان نزد خداوند نیست (کهف/۳۴ - ۳۶؛ ۴۲) چنان که مال بسیار نه تنها نشانه ارزش‌گذاری انسان نیست، بلکه نشانه‌ای از جهالت و سفاقت و بی‌خردی این دسته از افراد مشرک و مترف است (سباء/۳۴ - ۳۵؛ هود/۲۷؛ ۲۹؛ نحل/۹۵؛ مؤمنون/۵۵ - ۵۶). این در حالی است که از نظر قرآن، فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن، نشانه جهل و بی‌خردی است. (مؤمنون/۵۵ - ۵۶) از نظر قرآن، کاربرد مال و ثروت تنها در دنیا است و اگر ارزش و اعتبار نسبی به آن قائل است (آل عمران/۱۱۶) در همین دنیا و برای اهداف آفرینش و بکارگیری آن در مسیر رضایت الهی با اعمال صالح است (سباء/۱۷)؛ و گرنه در آخرت مال و ثروت و حتی فرزند هیچ

نفعی برای افراد ندارد و موجب رهایی شخص از گرفتاری نخواهد شد. (شعراء / ۶۹؛ آل عمران / ۱۰-۱۱؛ توبه / ۶۸) قرآن بارها تأکید دارد که مال و ثروت همانند فرزندان، زینت‌های زندگی دنیوی است و نباید برای آن اصلاتی قائل شد؛ زیرا مال و ثروت در آخرت هیچ معنا و مفهومی ندارد. (کهف / ۴۶؛ همزه / ۳-۴) قرآن کریم گرایش آدمی به مال و ثروت را تأیید کرده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر / ۲۰)؛ و مال و ثروت را بسیار دوست دارید. آنچه در باب گرایش به مال و ثروت، مهم به نظر می‌رسد، تعدیل آن با نگرش درست به دارایی است. نگرش درست را باید از قرآن و سنت به دست آورد که دنیا و مادیات موجود در آن را وسیله تأمین نیازها و ابزار رسیدن به کمال، معرفی می‌کنند. همان گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «الدُّنْيَا مَرْعَةٌ أَلَا خَيْرُهَا» (Ibn Abi Jumah, 1983)؛ دنیا، کشتزار آخرت است. امام علی (علیه‌السلام) نیز در این زمینه می‌فرماید: «بِالدُّنْيَا تُحَرِّزُ الْآخِرَةَ» (Ibn Shu'ba Harrani, 1962)؛ به وسیله دنیا، آخرت تثبیت می‌شود. این روایات بر وسیله بودن دنیا برای دست‌یابی به زندگی آخرت دلالت دارند و اینکه دنیا، هدف اصلی نیست و ابزاری برای رسیدن به هدف است. نباید به پول و دارایی، به عنوان هدف نگریست؛ چراکه نگرش هدف‌گرایانه به ثروت، انسان را از هدف اصلی باز می‌دارد و گرفتار مشکلات فکری و رفتاری می‌سازد. بنابراین، نگرش صحیح به مال و ثروت از شاخص‌های تربیتی در حوزه تربیت اقتصادی است و این امر به عنوان یک روش تربیتی معرفی می‌شود.

تبشیر: از دیگر روش‌های شناختی در تربیت اقتصادی به توصیه قرآن، «تبشیر» است. تبشیر به معنای مژده دادن و نوید به نعم و فیوضاتی که خداوند در دنیا و آخرت برای افراد با ایمان و شایسته و مطیع قرار داده است (Tayyeb, 1999). این روش با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک در اشخاص ایجاد انگیزه کافی برای انجام عمل را فراهم می‌کند. بررسی آیات وحیانی بیانگر آن است که خداوند متعال در قرآن، بشارت‌های متعددی در زمینه امور

اقتصادی به مخاطب ارائه می‌دهد. از جمله به اهل انفاق بشارت می‌دهد: «مَثَلٌ [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست.» (بقره / ۲۶۱)

کسی که آیات قرآن را جست‌وجو و در معنای آن‌ها بیندیشد، متوجه می‌شود که آیات قرآنی به سه اصل اهمیت می‌دهد: نشر دعوت اسلامی، جهاد و بخشش مال در راه خدا؛ چرا که این سه اصل، در گسترش اسلام و پشتیبانی آن، نقش مهمی دارد. از این رو، قرآن با شیوه‌های گوناگون تشویق و تهدید مردم را به رعایت این اصول فرامی‌خواند. آیات زیادی مسلمانان را به بذل مال تشویق می‌کند (Mughniyah, 2003). از جمله این آیات، می‌توان به آیه‌ای که ذکر شده اشاره کرد که در آن خداوند متعال با دادن بشارت به اهل انفاق زمینه را برای تربیت اقتصادی مردم فراهم می‌کند. لازم به ذکر است در آیات متعددی از قرآن کریم به پاداش اخروی انفاق بشارت داده شده؛ از جمله با تعبیری چون: «اجراً عظيماً» (نساء / ۴۰)؛ «اجر کبیر» (حدید / ۷)؛ «اجر کریم» (همان / ۱۷)؛ «رزق کریم» (انفال / ۴) استفاده از روش تبشیر در تربیت اقتصادی در آیات دیگری از قرآن نیز نمود داشته است. از جمله: خداوند به مردان و زنان صدقه دهنده به پاداشی دوچندان و اجری نیکو (حدید / ۱۸)؛ به قرض دهندگان به معفو گناهان و جای گرفتن در باغ‌های بهشتی (مائده / ۱۲)؛ مشمول بخشش و مغفرت الهی شدن (تغابن / ۱۷) بشارت می‌دهد. روشن است در تربیت اسلامی، برای ایجاد روحیه‌ای متعادل و دارای توازن صحیح و منطقی از تشویق و «تنبيه» صرف، پرهیز می‌شود؛ زیرا بسنده نمودن به هریک از این دو، شکننده و موجب به دست دادن روحیه‌ای ناموزون و مشکل آفرین می‌گردد. تربیت، مستلزم تن دادن به تکالیف است و این امر فی نفسه، زایل کننده رغبت است. این تلخی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف با رغبت، میسر شود. یکی از روش‌هایی که برای این منظور وجود دارد، «روش تبشیر» است. واکاوی آیات اقتصادی قرآن بیانگر این حقیقت است که در مقوله

تربیت اقتصادی نیز، این روش مورد استفاده قرار گرفته و تعالیم قرآنی، سرشار از بشارت‌های دنیوی و اخروی در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد تا همگان نسبت به امور اقتصادی در راستای دین حرکت نمایند تا تربیت صحیح اقتصادی به منصف ظهور برسد.

انذار: برخی از مفسران، واژه «انذار» را به معنای بیم دادن و آن چه مردم را در مورد عواقب سوء رفتارشان آگاه می‌سازد، تعریف می‌کنند (Tabataba'i, 1996). قرآن کریم از روش انذار به عذاب‌های اخروی برای تحقق رفتارهای بهینه اقتصادی استفاده کرده است. در آیات ۱ تا ۷ سوره مطففین در خصوص تصحیح و سلامت مبادلات اقتصادی در جامعه با تأکید هرچه تمام‌تر، مسأله قیامت را متذکر شده، می‌فرماید: «وای بر کم‌فروشان، که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟ [در] روزی بزرگ: روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. نه چنین است [که می‌پندارند]، که کارنامه بدکاران در «سجین» است.» (مطففین/۱-۷) خداوند متعال در این سوره، سخن خود را با تهدید شدید کم‌فروشان آغاز نموده (Makarem Shirazi, 2000) و غرض این آیات نیز انذار کم‌فروشان به وسیله توصیف روز بعث و جزا و بیان اوصاف روز قیامت و آن چه که برای این گروه آماده شده است (Tabataba'i, 1996). این آیات هشدار به گروهی از مردم است که در داد و ستد کم‌فروشی می‌کنند، یعنی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند - به کیل یا وزن - ناقص می‌دهند، و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند.

تصویر دیگری که قرآن به نمایش می‌گذارد، ماجرای قوم شعیب (علیه‌السلام) می‌باشد که در اثر خیانت در کیل و اندازه، نام برده شده‌اند. در روش تربیتی حضرت شعیب (علیه‌السلام)، روش انذار مشهود است. این قوم گرفتار فساد اقتصادی شدند و از پیمانه و ترازو کم می‌کردند. شعیب (علیه‌السلام) آنان را از این کار بازداشت و دستور داد که خدا را بپرستند و از برنامه‌های او در زندگی اقتصادی پیروی کنند و به آنان هشدار داد که به سبب ظلم و رفاه را از دست

خواهند داد و عذاب الهی آنان را خواهد گرفت: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا الْمَكِيلَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» (هود/۸۴)؛ و به سوی [اهل] مَدْيَن، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. و پیمانه و ترازو را کم نکنید. به راستی شما را در نعمت می‌بینم. و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم. در این آیات خداوند حضرت شعیب (علیه‌السلام) را به عنوان گزارش‌گر پیغام و انذار الهی به سوی بندگان ارسال می‌کند تا قوم خود را از نافرمانی بر حذر داشته و به آنان نسبت به ابتلا به عذاب الهی هشدار دهد. آن حضرت همچنین در اندازی دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف/۸۶)؛ و بر سر هر راهی منشینید که [مردم را] بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، پس شما را بسیار گردانید، و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است.

این تأثیری قوی در کنترل رفتار انسان دارد. بدیهی است انسان با توجه به خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد، هم به خوبی‌ها و هم به بدی‌ها تمایل دارد. اگر انسان به حال خود رها شود و هیچ عامل بازدارنده‌ای در پیش‌روی او نباشد، طغیان خواهد کرد و چه بسا ظلم و فسادهای اقتصادی را در جامعه به وجود آورد. به همین جهت برای جلوگیری از این فسادها، وی نیاز به انذار خواهد داشت تا با هشدار از عواقب کار، دچار آسیب و فساد اقتصادی نگردد. با توجه به شواهدی که از قرآن ارائه شد می‌توان این گونه نتیجه گرفت که؛ انذار به عنوان روشی کاربردی در تربیت اقتصادی قابلیت کاربرد و استفاده دارد.

تمثیل: تمثیل نوعی مقایسه میان دو چیز است با این هدف که گوینده وقتی مخاطب خود را از درک سریع و مطمئن یک قاعده

عاجز می‌بیند با ذکر مثال و شبیه آن، ذهن وی را به سمت مطلب اصلی رهنمون می‌شود (Boroumand, 2009). در آیات اقتصادی قرآن مشاهده می‌شود که این روش تربیتی کاربرد داشته است. از جمله خداوند برای بیان ارزش انفاق از روش «تمثیل»، استفاده کرده و با یک مثال جامع و دقیق، برکات و خیرات آن را به تصویر کشیده است. آن‌ها که در راه خدا انفاق می‌کنند، انفاقشان همچون بذر پرثمری است که بر هر طرف خوشه می‌گستراند و همه جا را زیر بال خود می‌گیرد: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَبْلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱)؛ مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست. قرآن در این جمله این دانه را چنین توصیف می‌کند که هفت خوشه از آن می‌روید که در هر خوشه صد دانه است و به این ترتیب هفتصد برابر اصل خود می‌گردد. مقصود آیه این است که عمل هر انسانی پرتوی از وجود او است و هر قدر عمل، توسعه پیدا کند، وجود آن انسان در حقیقت توسعه یافته است، مگر نه این است که اعمال انسان تغییر شکلی از قوا و مواد جسمی او است؟ (Makarem Shirazi, 1995). این نوع برکت و رشد گسترده، محدود به این دنیا نیست، بلکه در جهان آخرت نیز چنین پاداشی در انتظار نیکوکار است؛ زیرا اولاً آیه و مثال مقید به این جهان نیست، بلکه مطلق است. ثانیاً عقل آدمی هم آن را تأیید می‌کند، بدین صورت که با انفاق در راه خدا گاهی هزاران نفر از فقر و گرسنگی نجات می‌یابند و در واقع، دوباره زنده می‌شوند و خدا هم در مقابل آن، هفتصد برابر و بلکه بیشتر از آن برای او در نظر می‌گیرد (Tabataba'i, 1996)؛ چون بخشش خدا بی‌پایان است. نقش تمثیل در انتقال مفاهیم و آشکار کردن معانی بسیار مهم است. به همین دلیل قرآن کریم در بسیاری از موارد برای تفهیم بهتر مطالب تربیتی از تمثیل استفاده نموده است. در راستای تربیت اقتصادی

مشاهده می‌شود که یکی از تمثیلات قرآن، پیرو اتراف مرفهان و مترفان می‌باشد. در قرآن آمده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲)؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.

خدای تعالی در این آیه مثل آورده به اهل دهی که در مقام امن و امان و با اطمینان خاطر روزی آن‌ها فراوان می‌رسید و محتاج به کوشش و مسافرت در اطراف برای طلب رزق نبودند. از هر جا و اطراف آن‌ها نعمت زیاد بود و چون به نعمت‌های خدا کافر شدند و کفران نعمت نمودند، در اثر کفران نعمت که نه از نعمت قدردانی کردند و نه شکر ولی نعمت خود را به جای آوردند، این بود که نعمت آنان به نعمت تبدیل گردید (Amin, 1982) کسانی که نعمت الهی را کفران نمودند و آن را در طلب لذات حسی زخارف دنیوی استعمال نمودند (Ibn Arabi, 2001). این تنها شهر در تاریخ نیست که با چنین حادثه‌ای رو به رو شده باشد و هزارها شهر و روستا در تاریخ جهان مزه گرسنگی و هراس را به سبب کفران نعمت خدا و کفر ورزیدن به او چشیده‌اند و خواهند چشید. فلذا قرآن با استفاده از تمثیل تلاش نموده تا انسان را نسبت به این امر هوشیار کند تا اقتصاد جامعه را در بحران نابودی قرار ندهد و با تربیتی صحیح از کفران نعمت پرهیزد.

دعوت به زهد: یکی از معیارهایی که شایسته است، بر تربیت اقتصادی انسان، حاکمیت داشته باشد، زهد است. در واقع آدمی باید در مصرف مواهب الهی زاهدانه برخورد کند. برخی به غلط، چنین پنداشته‌اند که زهد به معنای پرهیز از نعمت‌های دنیوی و اعراض از لذایذ مادی است. از نظر این افراد، زاهد کسی است که به دنیای مادی پشت پا زده و از نعمت‌های جهان، جز در حد ضرورت استفاده نمی‌کند، در جهت بهبود وضع مادی خود و خانواده‌اش نمی‌کوشد

و برای سازندگی این جهان نیز قدمی بر نمی‌دارد. این برداشت منفی از زهد، هرگز مورد نظر اسلام نبوده و پیشوایان بزرگوار اسلام، هر جا با مظاهر چنین تفکری بر می‌خوردند، به شدت آن را طرد و نفی می‌کردند و پیروان خود را از گرایش به آن بر حذر می‌داشتند. از دیدگاه فرهنگ اسلام، زهد به معنای مصرف نکردن مواهب الهی نیست، بلکه به این معناست که آدمی در ضمن بهره‌گیری از نعمت‌های خداوند در این جهان، به دنیا دل نبندد و وابسته نشود، خود را به آن نفروشد، و تمام همّتش را صرف به دست آوردن آن نکند. آیه‌ای از قرآن کریم، در نکوهش از دنیاپرستان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» (یونس/۷)؛ کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی که از آیات ما غافلند.

به روشنی پیداست که در آیه فوق و آیات مشابه آن، بحثی از مذمت مصرف نعمت‌ها و بهره‌گیری از مواهب در بین نیست؛ بلکه آنچه مورد نکوهش قرار گرفته، رضایت دادن، قانع شدن و اطمینان یافتن به مادیات و روی برتافتن از حرکت تکاملی به سوی سعادت معنوی و قرب الهی و ملاقات با اوست. لازم به ذکر است بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام، زهد در تولید و فعالیت‌های اقتصادی نیست؛ چرا که خداوند انفاق و زکات را به عنوان یک عبادت در کنار نماز قرار داده است (بقره/۳، مائده/۵۵)، بلکه زهد در مصرف معنا می‌یابد. به اینکه انسان از تولیدات و ثروت و سرمایه و مالی که از طریق فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آورد به مقدار مورد نیاز مصرف کند و بقیه آن را در راه خدا انفاق کند و به فقیران و نیازمندان و بینوایان و مساکین و سائلین بدهد. بنابراین، زهد را باید در قناعت و صرفه‌جویی در مال و بی‌رغبتی به مادیات دانست، نه در حوزه تولید و فعالیت‌های اقتصادی که اصولاً وظیفه انسان در روز است که دنبال فعالیت‌های اقتصادی باشد و از فضل الهی در رزق و روزی بهره‌مند شود (نحل/۱۴، اسراء/۶۶، قصص/۷۳).

تمام زهد بین دو کلمه از قرآن است. خداوند متعال می‌فرماید: «تا بر آنچه به شما رسیده اندوهگین نشوید و به آنچه به شما رسیده شاد نباشید». (حدید/۲۳) بنابراین آن کس که بر گذشته تأسف نمی‌خورد و به آینده (و آنچه در دست دارد) دلبستگی ندارد هر دو طرف زهد (از آغاز تا پایان آن) را در اختیار گرفته است. (فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۲۶) بنابراین زهد به معنای برخوردار نشدن از دنیا و نعمت‌های الهی نیست؛ بلکه در زهد معنای برخوردار از نعمت‌های الهی نهفته است، لیکن به گونه‌ای که موجب غفلت انسان نشود. وقتی زهد از این دیدگاه مورد ارزیابی قرار داده شود و بر نحوه مصرف مواهب الهی منطبق گردد، این نتیجه به دست می‌آید که، انسان زاهد، اشیاء و نعمت‌ها را برای ارضای تمایلات نفسانی و خواسته‌های شهوانی خود، مصرف نمی‌کند، بلکه با توجه به عدم دلبستگی او به مظاهر دنیوی، مصرف او صرفاً جنبه انجام وظیفه و عمل به تکلیف دارد. به عبارت دیگر، او نیز همچون دیگران از لذایذ مادی بهره‌مند است؛ لیکن افق دید او آن چنان وسیع است که همانند دنیاپرستان، تنها جلوی پای خود را نمی‌بیند، که آینده‌های دور و جهان آخرت را نیز در نظر دارد. از نعمت‌های موجود در این جهان نه به خاطر خوش‌گذرانی و هرزگی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آن سعادت جاویدان استفاده می‌کند و پرواضح است، که مصرف با چنین بصیرتی چقدر با مصرف دنیاپرستانه متفاوت است. تفاوت راه بین از کجاست تا به کجا؟! (Elhami Nia, 2014). زهد به معنای صحیح کلمه نه تنها منافاتی با پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی در سطح فرد و جامعه ندارد، بلکه به عکس می‌تواند سرچشمه تأثیرهای مثبتی در شکوفاشدن اقتصاد و در نهایت نیل به تربیت اقتصادی گردد؛ زیرا از یک سو تأکید اسلام بر زهدمداری و زهدورزی، از فعالیت‌های ناسالم اقتصادی که سبب عقب‌ماندگی جامعه می‌شود، جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر در عرصه کار و تلاش، وجدان کاری را در بهترین شکل ممکن آن وارد صحنه اقتصاد می‌سازد.

دعوت به استغفار: در نگاه آموزه‌های قرآنی، استغفار راهکاری

مناسب در تربیت اقتصادی معرفی شده که در بُعد شناختی قابل استفاده می‌باشد. این روش آشکارا در آیات و روایات بسیاری یاد شده است، از جمله: «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (هود/۳)؛ و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. «این آیه دستور دوم بعد از بیان موقعیت قرآن است و نشان می‌دهد که که استغفار و برگشتن به سوی خدا سبب ادامه نعمت و سعادت در زندگی است» (Qureshi, 1998) پس استغفار رابطه مستقیم با نزول نعمات مادی در این دنیا دارد؛ فلذا وفور نعمات و برکات کاستی‌ها و نقصان مالی و اقتصادی را برطرف نموده و به این ترتیب فعالیت‌های اقتصادی دچار آسیب نگشته و در مسیر صحیح سامان می‌گیرد.

در آیه دیگری از قرآن نیز آمده: «و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نهرا برای شما پدید آورد.» (نوح/۱۰-۱۲) در تفسیر آمده: حضرت نوح (علیه السلام) بعد از هشدار به گرفتار شدن به عذاب الهی در صورت گناه به قوم خود می‌گوید: توبه و استغفار کنید، خدا آمرزنده و مهربان است. مزارع و باغ‌های شما که خشک شده و از دست رفته به واسطه نیامدن باران و زنان شما که نازا شده اند، چنان چه در سوره هود آمده از رحمت الهی و باران فراوان پی در پی آباد خواهد شد و نهراهای شما جاری خواهد گردید مانند آن که خداوند تازه آن‌ها را به شما عنایت فرموده و اموال شما به فضل الهی زیاد می‌شود و زنان شما اولاد آور می‌گردند و پسرانی که کمک شما باشند (Thaqafi Tehrani, 1978). آری؛ استغفار و طلب آمرزش موجب ریزش برکات مادی و معنوی

است؛ چرا که همان گونه که در عوامل کاستی رزق خواهد آمد. گناه از موانع جلب و جذب رحمت الهی است. وقتی به واسطه استغفار این مانع برطرف شد، نسیم‌های رحمانی به وزش درآمده و باران رحمت الهی را در سرزمین جان و تن فرود می‌آورد و امر دنیا و آخرت انسان از جانب خداوند سبحان اصلاح می‌شود (Sohrabi, 2017). بر اساس آن چه که از آیات و روایات ارائه شد می‌توان این گونه گفت: تأثیر استغفار در تربیت اقتصادی بر این امر استوار است که منجر به گسترش و توسعه سرمایه‌های مالی و اقتصادی در تمام ابعاد آن و رشد و پیشرفت به طرف تکامل می‌گردد. از این روی استغفار به عنوان یکی از روش‌های شناختی در تربیت اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد تا بدین وسیله انسان‌ها بتوانند برکات و نعمات الهی را به زندگی خود وارد نمایند و از فقر و کمبودهای اقتصادی که آسیب جدی در زمینه تربیت اقتصادی می‌باشد، مصون بمانند.

شکرگزاری: از دیگر روش‌های تربیت اقتصادی در حوزه شناخت، که قرآن بر آن تأکید داشته، شکرگزاری می‌باشد. شکر در لغت به معنای شناخت احسان و نشر آن و سپاس از احسان کننده است (Farahidi, 1988). از منظر قرآن هر نعمتی که از طرف خداوند متعال به انسان برسد، اگر انسان سپاس و شکرگزاری از نعمات الهی را بجا آورد، خداوند شکر را وسیله ازدیاد نعمت قرار می‌دهد: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/۷)؛ اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد. صرف نظر از وظیفه‌ای که هر کس در مقابل ولی نعمت خویش دارد - اگر بخواهد بهره بیشتری از نعمت‌های الهی ببرد، باید شکر گزار او باشد در غیر این صورت - استحقاق سلب نعمت و عذاب سخت خدای قهار را پیدا می‌کند. در روایت آمده: «مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵)؛ کسی که توفیق شکر کردن به او داده شود زیادی (نعمت) هم به او عطا می‌شود. (خدا نعمت را بر او زیاد می‌کند). خدای عزوجل می‌فرماید: اگر مرا شکر کنید بر شما زیاد می‌کنم.

امام تعبیر «أَعْطَى» را برای شکر به کار برده‌اند. چون برای این که بنده بتواند شکر خدا کند، باید مورد تفضل او قرار گیرد. شکر، توفیقی است که مقدمات انجام آن تنها با موهبت الهی فراهم می‌شود. اعطای معرفتِ نعمت و شناختِ حمد پروردگار، کار خداست. خدای متعال از روی فضل، باب شکر را بر روی بنده‌اش می‌گشاید، تا اگر بنده قدر بداند نعمت‌هایش را بر او فزونی بخشد (Bani Hashemi, 2007). بدون شک خداوند در برابر نعمت‌هایی که به ما می‌بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است. مهم این است که ببینیم حقیقت شکر چیست؟ تا روشن شود که رابطه آن با افزونی نعمت از کجاست و چگونه می‌تواند خود یک عامل تربیت بوده باشد. حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست، بلکه شکر دارای سه مرحله است: نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است، و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می‌رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آن را در مورد خودش صرف کنیم، که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم. از اینجا رابطه میان شکر و فزونی نعمت روشن می‌شود؛ چرا که هر گاه انسان‌ها نعمت‌های خدا را درست در همان هدف‌های واقعی نعمت صرف کردند، عملاً ثابت کرده‌اند که شایسته و لایقند و این لیاقت و شایستگی سبب فیض بیشتر و موهبت افزون‌تر می‌گردد (Makarem Shirazi, 1995).

گفتنی است «شکرگزاری در همه حوزه‌های اقتصاد به ویژه حوزه مصرف، اهمیت بیشتری دارد و همه مردم در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی باید قدردان نعمت‌های خدا باشند. اگر همه مردم این روحیه را داشته باشند، فراوانی نعمت در جامعه پدید می‌آید. برعکس، کفر نعمت و ناسپاسی خدا با از دست دادن نعمت‌ها همراه خواهد بود.» (Ehsani, 2012). اینکه در تعالیم قرآنی و روایی، شکر عامل افزایش و رشد نعمت‌ها و ناسپاسی و کفران، موجب تباهی

و نابودی آن‌ها شمرده شده است، و جامعه‌ی شاکر و سپاسگزار پایدار و جامعه‌ی ناسپاس و کفران‌گر، نابسامان و واژگون، به حساب آمده برای این است که در جامعه‌ی شاکر کالاهای و مواد - که نعمت‌های خدایند - با جریان طبیعی و گردش درست به دست همه می‌رسد و همه‌ی نیازها برآورده می‌شود، و جامعه به دو بخش مستضعف و مستکبر و فقیر و غنی تقسیم نمی‌شود، و هم‌گونی میان طبقات جامعه پدید می‌آید، و برادری دینی تحقق می‌یابد، و تضاد و درگیری بر سر منافع به کمترین حد می‌رسد، و روابط اجتماعی گسست‌ناپذیر می‌گردد، وظائف و تعهدهای اجتماعی به خوبی انجام می‌پذیرد و این‌ها همه موجب استواری نظام اقتصادی می‌گردد. در جامعه‌ی ناسپاس، نعمت‌ها در مسیر طبیعی خود و در راه هدف خلقت آن‌ها، یعنی رفع نیاز همه و بهره‌برداری یکایک افراد جامعه جریان نمی‌یابد، بلکه در دست اقلیت‌هایی انباشته می‌گردد، و اکثریت از آن محروم می‌مانند، و داشتن‌ها و نداشتن‌ها عامل پدید آرنده‌ی تضاد اجتماعی می‌شود، و ثبات و آرامش را از جامعه می‌گیرد، احساس تعهد رو به ضعف می‌نهد، و جامعه دچار بیماری ویرانگر استضعاف و استکبار و افراط و تفریط می‌شود. و این‌ها همه که برخاسته از ناسپاسی و کفران‌گری است و پایه‌های اقتصادی جامعه را واژگون می‌سازد. با توجه به مسائل یاد شده، می‌توان پی برد که برای دستیابی به تربیت در امور اقتصادی لازم است شکرگزاری به عنوان یک شیوه تربیتی در زندگی انسان‌ها به اجرا در آید.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات و روایات بیانگر آن است که تربیت اقتصادی مورد توجه تعالیم اسلام بوده و توصیه‌های فراوانی در قالب آیات اقتصادی به انسان‌ها عرضه شده است. نگاه قرآن و روایات آن است که به منظور تربیت اقتصادی نیاز به استفاده از روش‌هایی جامع و کاربردی در حوزه شناخت و معرفت می‌باشد. در نگاه آموزه‌های قرآنی، به منظور تربیت اقتصادی باید از روش ایمان به خدا استفاده کرد؛ چرا که انسانی که به خداوند ایمان دارد، او را در تمامی فعالیت‌های اقتصادی شاهد و ناظر بر اعمال خویش می‌بیند. همچنین به تصریح

مشروع، بشارت، و در مقابل فعالیت اقتصادی نامشروع، اندازهای مطرح نموده‌اند. نیز در قرآن و روایات از روش تربیتی تمثیل استفاده شده و مثال‌هایی در رابطه با مفسدان اقتصادی ارائه شده است. در آموزه‌های قرآنی همچنین دعوت به زهد و استغفار به عنوان روشی در رفع موانع مالی و نزول برکات معرفی شده است. نیز آیات و روایات همگان را به شکرگزاری در مقابل نعمات الهی فراخوانده‌اند تا مخاطب بتواند مسیر صحیح تربیت را کشف نماید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The contemporary Islamic world, despite its vast spiritual and cultural resources, faces considerable economic challenges. The Qur'an, as a comprehensive source of divine guidance, contains numerous teachings on economic behavior, yet these are often overlooked in practical policy and societal behavior. This study highlights the necessity of identifying and applying the Qur'an's cognitive methods in economic education to address these persistent challenges. Through a descriptive-analytical approach, the article investigates a broad range of cognitive strategies embedded within Qur'anic teachings—strategies intended to shape ethical, sustainable, and spiritually informed economic behavior. Economic education, as derived from the Qur'an, is not merely about financial literacy or market participation but about cultivating a morally and spiritually grounded outlook on resource use, wealth distribution, and economic responsibility. Faith in God and belief in the Hereafter are foundational principles, reshaping an individual's motivations and conduct within economic systems. Unlike secular economic theories, which often reduce behavior to self-interest and utility maximization,

آیات معادباوری روشی دیگر در تربیت اقتصادی است که فرد را وادار می‌کند تا با اندیشیدن به روز حساب و حضور در پیشگاه الهی، زندگی را محدود به این دنیا نداند و کسب مال و ثروت را به هر بهایی هدف زندگی قرار ندهد. رعایت تقوا نیز موجب آن می‌گردد که انسان در مواجهه با ثروت‌های نامشروع در امور اقتصادی خویشتنداری نموده و از حدود و چهارچوب دینی تعدی نکند. از دیگر روش‌های مطروحه، پرورش نیروی عقل و خرد است که با تمسک به نیروی آن می‌توان زمینه را برای تربیت اقتصادی فراهم کرد. قرآن، همچنین با ارائه بینشی صحیح نسبت به مال و ثروت، زمینه را برای تربیت صحیح اقتصادی فراهم می‌کند. در آموزه‌های قرآنی مشاهده می‌شود که پیامبران (علیهم‌السلام) گاه از روش تربیتی تبشیر و انذار استفاده کرده‌اند و در مقابل فعالیت‌های اقتصادی

the Qur'anic model integrates moral awareness and metaphysical accountability, emphasizing the transformational power of internal conviction over external compulsion (Akbari Dehzeiri, 2012; Makarem Shirazi, 1995).

In the realm of practical guidance, the Qur'an presents an integrated framework that combines spirituality with socio-economic functionality. For instance, belief in divine oversight encourages transparency, honesty, and trustworthiness in trade and commerce, essential attributes for economic resilience and justice. The Qur'an outlines the relationship between spiritual attributes such as piety and gratitude with tangible economic outcomes. The verse, "If the people of the towns had but believed and feared Allah, We should indeed have opened out to them blessings from heaven and earth..." (Al-A'raf, 7:96), explicitly links faith and piety with prosperity (Tabataba'i, 1996). This theological-economic nexus is echoed in modern developmental theories emphasizing the role of trust and moral capital in economic performance. Furthermore, the concept of taqwa (God-consciousness) functions as a preventive ethic, discouraging exploitative or dishonest practices, and ensuring that wealth is earned and spent within ethically permissible boundaries

(Motahhari, 2018). Thus, the Qur'anic vision promotes a dual benefit: individual salvation and collective well-being through disciplined, value-driven economic behavior.

Another vital cognitive method emphasized in the Qur'an is rational deliberation or 'aql. The Qur'an repeatedly calls upon individuals to use reason, highlighting the human capacity for reflection as a divine gift and a key determinant of moral and economic choices. For example, economic mismanagement is often attributed in the Qur'an to folly or lack of reason, as in the injunction against entrusting wealth to the foolish (al-sufahā'), who are deemed incapable of sound financial management (An-Nisa, 4:5) (Shurideh Bakht, 2010). In addition, the Qur'an employs persuasive rhetorical tools such as parables and analogies (tamthil) to illustrate economic principles and outcomes. The metaphor of a seed that multiplies manifold when planted in the path of God (Al-Baqarah, 2:261) underscores the exponential spiritual and material benefits of charitable spending, aligning individual piety with macroeconomic prosperity (Makarem Shirazi, 1995). Such cognitive framing not only facilitates understanding but also engenders deeper personal engagement with economic ethics, encouraging individuals to internalize values rather than merely conforming to external rules.

Emotional and motivational dimensions are also crucial in the Qur'anic method of economic education. The twin strategies of tabshir (glad tidings) and indhar (warnings) are repeatedly deployed to stimulate both hope and fear in economic decision-making. For example, the Qur'an praises the charitable and promises them divine rewards, including multiplied returns and divine forgiveness (Mughniyah, 2003). Conversely, it denounces exploitative behaviors like short-measuring, warning of dire consequences in the Hereafter (Al-Mutaffifin, 83:1–6) (Makarem Shirazi, 2000). These contrasting messages serve as psychological reinforcements, aiming to align economic behavior with spiritual accountability. This emotional engagement ensures that ethical

considerations are not abstract ideals but felt realities that guide daily decisions. Moreover, these emotional appeals are not manipulative; rather, they reflect a deep anthropological insight into human nature, where motivation is shaped not only by cognitive reasoning but also by affective states and existential concerns (Darafshan, 2013).

The Qur'an also emphasizes transformative attitudes such as zuhd (asceticism) and istighfar (seeking forgiveness), not as withdrawal from the world but as disciplined engagement with it. Zuhd, in this context, does not imply renunciation of wealth but detachment from materialism, where wealth is a means, not an end. It encourages moderation, discourages extravagance, and fosters a culture of ethical consumption aligned with social equity (Elhami Nia, 2014). Similarly, istighfar is presented as a means of both spiritual and economic renewal. Numerous Qur'anic verses link sincere repentance with material blessings, such as rain, agricultural abundance, and prosperity (e.g., Hud 11:3; Nuh 71:10–12), suggesting a metaphysical ecology where spiritual health translates into material well-being (Sohrabi, 2017). These teachings collectively reinforce the idea that economic behavior is not a morally neutral domain but one deeply intertwined with spiritual states and divine laws, and that reform at the cognitive level can recalibrate societal structures toward justice and sustainability.

Lastly, gratitude (shukr) is underscored in the Qur'an as a foundational economic principle. Unlike secular paradigms that often celebrate entitlement and accumulation, the Qur'anic model posits that gratitude enhances economic resilience and resource sustainability. The divine promise, "If you are grateful, I will surely increase you [in favor]..." (Ibrahim, 14:7), captures the essence of this principle (Bani Hashemi, 2007). Shukr is more than a passive acknowledgment—it is active stewardship, where resources are managed responsibly and shared generously. From this perspective, shukr forms the moral axis of economic behavior, guiding individuals to view wealth not as personal property but as a trust from

God to be used in the service of community welfare. Moreover, gratitude fosters contentment and curbs the destructive cycles of greed and inequality that often undermine economic justice. In grateful societies, wealth circulates more equitably, reducing social fragmentation and enhancing collective well-being. Thus, the Qur'anic call to gratitude is not merely spiritual rhetoric but a pragmatic strategy for ensuring sustainable economic development rooted in ethical consciousness and communal responsibility.

In conclusion, the Qur'anic approach to economic education provides a comprehensive cognitive framework that integrates faith, reason, emotion, and behavior into a cohesive model of human development. It shifts the focus from mere material gain to spiritual and ethical flourishing, encouraging individuals and societies to align economic activity with divine principles. This study underscores the relevance and applicability of Qur'anic teachings in addressing modern economic dilemmas by rooting solutions in a rich tradition of moral philosophy and cognitive insight. By embracing these cognitive methods, societies can cultivate not only more just economic systems but also more resilient and spiritually grounded individuals capable of navigating the complexities of contemporary life with wisdom and integrity.

References

- Allport, G. W. (1961). *Pattern and Growth in Personality*. New York, NY: Holt, Rinehart & Winston.
https://ia601408.us.archive.org/30/items/in.ernet.dli.2015.199562/2015.199562.Pattern-And-Growth-In-Personality_text.pdf
- Bugental, J. F. T. (1965). *The Search for Authenticity: An Existential-Analytic Approach to Psychotherapy*. New York, NY: Holt, Rinehart & Winston.
<https://a.co/d/4cz3O4L>
- Bugental, J. F. T., Schneider, K. J., & Pierson, J. F. (2014). *The Handbook of Humanistic Psychology: Theory, Research, and Practice*. California: SAGE Publications.
<https://doi.org/https://doi.org/10.4135/9781483387864>
- Darabi, J. (2018). *Theories of personality psychology (Comparative approach)*. Tehran: Ayij Publishing.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1980). Self-determination Theory: When Mind Mediates Behavior. *The Journal of Mind and Behavior*, 1(1), 33-43.
<https://www.jstor.org/stable/43852807>
- Feast, G. J., Roberts, T., & Face, J. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Ravan Publishing.
- Frankl, V. E. (1984). *Man's Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy*. California: Touchstone.
<https://a.co/d/7QFIZ1c>
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Sader.
- Kamalvand, P., & Mohammad Ali Nejad, R. (2016). Comparative conceptualization of self-esteem in the Quran and humanistic psychology. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 7(27), 1-32.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh* (Vol. 14). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Maslow, A. H. (1968). *Toward a psychology of being*. New York: Insight Books; D. Van Nostrand Company.
<https://archive.org/details/towardpsychology1968masl/page/n8/mode/1up>
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality*. Longman Publishers.
<https://a.co/d/4FO206>
- Maslow, A. H. (1993). *The Farther Reaches of Human Nature*. Louisiana: Arkana.
<https://a.co/d/fys7dNN>
- Miri, S. M. H., & Khademi Afzal, F. (2018). An examination and critique of Abraham Maslow's view on self-actualization with an emphasis on Islamic sources. *Journal of Comparative Exegesis Studies*, 4(7), 57-78.
- Noorbala, A. A. (2011). Mental-social health and strategies for improvement. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 17(2), 151-156.
- Pourafkari, N. (2003). *Comprehensive dictionary of psychology and psychiatry and related fields*. Tehran: Contemporary Culture Publishing.
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1993). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rogers, C. R. (1995a). *On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/cArrBd8>
- Rogers, C. R. (1995b). *A Way of Being*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/78G7jj7>

- Rosenberg, M., & Owen, J. (2020). *Self-esteem and its role in resilience*. London: Sage Publications.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Virayesh Publishing.
- Smith, E. R., & Mackie, D. M. (2021). *Social psychology*. New York: Psychology Press.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. J. (2014). *Positive Psychology: The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*. New York: SAGE Publications.
<https://a.co/d/3ORzFhv>
- Tabatabai, M. H. (1997). *Al-Mizan* (Vol. 6). Qom: Dar al-Ilm.
- Veysi, O., Amiri, M., & Mohammadi, M. (2021). A comparative study of the concept of mental health from the perspective of Islam and modern psychology. *Journal of New Advances in Psychology*, 4(40), 23-45.
- Akbari Dehzeiri, M. (2012). *Fundamentals of Anthropological Ethics of Economics from the Perspective of the Quran and Shi'a Narrations*. University of Qom.
- Amin, S. N. (1982). *Makhzan al-Irfan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Nehzat-e Zanan-e Mosalman.
- Azerbayjani, M. (2017). *Social Psychology with a View to Islamic Sources*. Tehran: Research Institute of Hawza and University.
- Bani Hashemi, S. M. (2007). *Shukr-e Nemat*. Tehran: Nashr-e Hamzeh.
- Boroumand, M. (2009). *Teaching Methods in the Quran and Sunnah*. Rasht: Ketab Mobin.
- Darafshan, M. H. (2013). *Political Epic and Economic Epic from the Perspective of Verses and Narrations*. Tehran: Islamic Research Center of IRIB.
- Dehkhoda, A. A. (1992). *Loghatnameh-ye DehkhodaPB - Tehran: Mu'assese-ye Entesharat-e Daneshgah*.
- Ehsani, M. (2012). *Educational Indicators of Economic Jihad from the Perspective of the QuranPB - Qom: Islamic Republic of Iran Broadcasting, Islamic Research Center*.
- Elhami Nia, A. A. (2014). *Economic Ethics*. Tehran: Islamic Revolutionary Guard Corps, Supreme Leader's Representative Office, Department of Religious-Political Education.
- Farahidi, K. b. A. (1988). *Al-Ayn*. Nashr-e Hejrat.
- Ibn Abi Jumhur, H. b. Z. (1983). *Awali al-Lalali al-Aziziya fi al-Ahadith al-Diniya*. Mu'assasat Sayyid al-Shuhada.
- Ibn Arabi, A. M. M. (2001). *Dar Ihya al-Turath al-Arabi*.
- Ibn Manzur, M. b. M. (1996). *Lisan al-Arab*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ibn Shu'ba Harrani, H. b. A. (1962). *Tuhuf al-Uqul*. Amir Kabir.
- Jafari, Y. *Tafsir-e Kowsar*. n.p., n.p.
- Javadi Amoli, A. (2009). *Tasnim (Tafsir al-Quran al-Karim)* (Edited and revised by Ali Eslami ed.). Qom: Markaz-e Nashr-e Esra.
- Jawhari, I. b. H. (1990). *Al-Sahah*. Dar al-Ilm.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Makarem Shirazi, N. (2000). *Al-Amthal fi Tafsir Kitab Allah al-Munazzal*. Madrasa-ye Imam Ali b. Abi Talib (AS).
- Mo'azeddi, K., & Asadi, A. (2012). Examining Methods of Maintaining Mental Health from the Perspective of the Holy Quran. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences*(No. 1).
- Modarresi, M. T. (1998). *Tafsir-e Hedayat*. Mashhad: Bonyad-e Pazhuhesh-haye Islami-ye Astan-e Qods-e Razavi.
- Mostafavi, H. (2001). *Tafsir-e Roshan*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Ketab.
- Motahhari, M. (2018). *Deh Gofar*. Qom: Sadra.
- Mughniyah, M. J. (2003). *Tafsir al-Kashif*. Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Qureshi, S. A. (1998). *Tafsir Ahsan al-Hadith*. Tehran: Bonyad-e Be'sat.
- Raghib Isfahani, A. Q. H. b. M. (2007). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Dar al-Ma'rifah.
- Seif, A. A. (2008). *Novin Ravanshenasi-ye Parvareshi*. Tehran: Doran.
- Seyyedi, B., & Ahmadi, P. (2019). Explaining the Elements of the Curriculum of Economic Education in General Education. *Iranian Curriculum Studies*(No. 55).
- Shurideh Bakht, Z. (2010). *Examining Rationality in Islamic Economics and Its Impact on Economic Security*. Ferdowsi University of Mashhad.
- Sohrabi, Z. (2017). *Rizq and Rizqiyat*. Qom: Markaz-e Nashr-e Hajar.
- Tabataba'i, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Daftar-e Entesharat-e Eslami-ye Jame'e Modarresin-e Hawza-ye Elmiyeh.
- Tayyeb, S. A. H. (1999). *Atayeb al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Entesharat-e Islam.
- Thaqafi Tehrani, M. (1978). *Tafsir-e Ravan-e Javid*. Borhan Publications.